



کارکرد بلاغی وجه جمله در خسرو و شیرین نظامی

روح‌الله هادی*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

علیرضا حاجیان‌نژاد

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

زینب نصیری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۳۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

چکیده

شعر نظامی از نظر بلاغت ارزش چشمگیری دارد. توجه شاعر به اصول بلاغی و چگونگی ارتباط او با مخاطب از مباحث برجسته شعر نظامی است که از طریق بررسی این مباحث، می‌توان به توانایی شاعر در هنر شاعری و تأثیرگذاری بر مخاطب خود پی برد. در منظومه خسرو و شیرین، شاعر بیش از هر اثر دیگری از عنصر گفت‌وگو بهره برده است. حضور مخاطب و توجه شاعر به وی کاملاً مشهود است و بین گوینده و شنونده ارتباطی دوسویه برقرار است؛ از این رو، وجوه مختلف جمله بسامد زیادی در اشعار او دارد و با تحلیل این وجوه از منظر علم معانی می‌توان به کارکرد ادبی و هنری آن‌ها در متن پی برد. یکی از ویژگی‌های نحوی جمله، «وجه» است که کارکرد بسیار مهمی در تحلیل بلاغی متون ادبی دارد. وجه جملات، کارکرد تعاملی زبان را نشان می‌دهد و از میزان ارتباط نویسنده با مخاطب حکایت می‌کند. بر این اساس، وجه جملات از مؤثرترین عوامل ایجاد پویایی و چندصدایی در متن است. در این پژوهش به بررسی وضعیت وجه جمله در شعر نظامی با تأکید بر منظومه خسرو و شیرین می‌پردازیم و کارکرد وجوه امری، پرسشی و ندایی و همچنین وجه شرطی را که بنا بر فرضیه ما کارکرد مهمی در شعر نظامی دارند، بررسی می‌کنیم. در بخش جملات امری، به جملات دعایی نیز که کاربرد بسیاری در شعر نظامی دارند، می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: بلاغت، علم معانی، نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، وجه جمله.

۱. مقدمه

در بلاغت سنتی، وجه جمله جزء مباحث ثانویه جملات انشایی است که در علم معانی بررسی می‌شود. «انشاء» در لغت به معنی ایجادکردن، پرورش‌دادن و از عدم آفریدن است (معلوف، ۱۳۸۴: «إنشاء»); و در اصطلاح، کلامی است که محتمل صدق و کذب نباشد (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۶۰); مانند «برخیز، مرو، آیا بهرام زنده است و...». در اکثر کتب معانی، انشاء بر دو نوع است: طلبی و غیر طلبی. انشای طلبی را بر پنج قسم شمرده‌اند: آنچه در علم معانی از آن بحث می‌شود، انشاء طلبی است که متکلم طلب کند امری را که به اعتقاد خودش در وقت طلب‌کردن حاصل نیست و انشاء طلبی پنج چیز است: ۱. امر؛ ۲. نهی؛ ۳. استفهام؛ ۴. تمنا؛ ۵. ندا (آق اولی، ۱۳۱۵: ۲۱).

انشای غیر طلبی را نیز در جملات مدح، ذم، تعجب، قسم، ترجی و دعا محصور کرده‌اند. درباره انواع جملات طلبی اختلاف‌نظرهایی در کتب معانی دیده می‌شود؛ بدین صورت که اکثر این آثار، انشای طلبی را بر پنج قسم امر، نهی، استفهام، تمنا و ندا می‌دانند و برخی این جملات را به چهار قسم تقلیل داده‌اند؛ از قبیل معانی و بیان غلامحسین آهنی (۱۳۶۰) که «ندا» را از این فهرست بیرون آورده یا معانی و بیان جلیل تجلیل (۱۳۸۵) که «تمنا» را از این تقسیم‌بندی خارج کرده است و در برخی موارد دیگر، نظیر «دعا و ترجی» به این اقسام اضافه شده است؛ از جمله انوارالبلاغه (۱۳۷۶) و آیین سخن (۱۳۷۷) و معانی شمیسا (۱۳۸۹).

در دستور زبان فارسی نیز جمله را به اعتبار طرز بیان و چگونگی ارائه پیام، به چهار دسته تقسیم می‌کنند: خبری، پرسشی، امری، عاطفی (انوری و گیوی، ۱۳۸۷: ۳۱۱). در تحقیقات زبان‌شناسی، بررسی وجه جملات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مایکل هلیدی وجه را مهم‌ترین بازنمود تعامل زبانی عنوان می‌کند و آن را نشان‌دهنده روابط بین نویسنده و خواننده می‌داند. روابط نیز برحسب موقعیت‌های مختلف ارتباطی مانند پرسشگری، پاسخ‌گویی، اطلاع‌رسانی، تردید و نظایر آن، نقش ایفا می‌کنند. در این نقش، گوینده از یک سو و مخاطب از سوی دیگر با هم ارتباط برقرار ساخته، پیامی منتقل می‌کنند؛ خبری می‌دهند، سؤال می‌کنند، فرمانی می‌دهند و ... (Halliday, 1985: 96-97). نظامی گنجوی، با قدرت نوآوری خود تحوّل شگرف در شعر فارسی و ادبیات غنایی پدید آورد که بعدها شاعران زیادی به تقلید از آثار وی برخاستند. در آثار داستانی او، همچون خسرو و شیرین که در توصیف صحنه‌های داستانی برجسته‌تر است، تصویرسازی‌های شاعر، بیان جزئیات داستان و گفت‌وگوی بین شخصیت‌ها، همه و همه،

مخاطب را بیشتر به ذهن شاعر نزدیک می‌کند و این اندازه توجه شاعر به مخاطب، به شعرش تازگی می‌بخشد.

۲. بسامد جملات انشایی در خسرو و شیرین

در این تحقیق، کارکرد وجه امری، پرسشی و ندایی و همچنین وجه شرطی را که بنا بر فرضیه ما کارکرد مهمی در شعر نظامی دارند، بررسی می‌کنیم. در بخش جملات امری، به جملات دعایی که جایگاه شایان توجهی در شعر نظامی دارند، نیز می‌پردازیم.

در این پژوهش، نخست ساخت نحوی شش‌هزار جمله‌واره از بخش‌ها و موضوعات مختلف منظومه خسرو و شیرین انتخاب و سپس وجوه جمله در آن‌ها بررسی شده است. فرضیه ما چنین بود که در بخش‌های مختلف کتاب به تناسب موضوع، ساختارهای نحوی اندکی متفاوت باشد؛ برای مثال، در قسمت‌هایی که نظامی به توصیف عناصر طبیعت، معشوق، صحنه‌های بزم و رزم و ... می‌پردازد، ممکن است ساختار نحوی متفاوت از قسمت‌هایی باشد که تنها داستان را روایت می‌کند؛ بنابراین در انتخاب ابیات، تنوع موضوع در نظر گرفته شد. برخی از نمونه‌های انتخاب شده از متن بدین شرح است:

۱. وصف: «وصف جمال شیرین»، «اندام‌شستن شیرین در چشمه آب»، «صفت بهار و عیش خسرو و شیرین»، «صفت داد و دهش خسرو».

۲. روایت: «آغاز داستان خسرو و شیرین»، «عشرت خسرو در مرغزار»، «رفتن شاپور در ارمن به طلب شیرین».

۳. گفت‌وگو: «مناظره خسرو و فرهاد»، «گفت‌وگوی خسرو و شیرین».

در جدول شماره ۱ بسامد وجوه شش‌هزار جمله‌واره از منظومه خسرو و شیرین گزارش و میانگین درصد آن‌ها مشخص شده است.

جدول شماره ۱ - بسامد وجه جمله در خسرو و شیرین		
وجه	تعداد	درصد
پرسشی	۲۸۴	۴/۷۳
امری	۳۲۰	۵/۳۳
دعایی	۶۲	۱/۰۳
شرطی	۲۷۶	۴/۶
ندایی	۸۷	۱/۴۵
جمع	۱۰۲۹	۱۷/۱۵

همان طور که در ردیف آخر می‌توان دید، ۱۷/۱۵ درصد از جمله‌های خسرو و شیرین، وجه غیر خبری دارند. در این بین، وجه امری از وجوه دیگر بسامد بیشتری دارد و بعد از آن، وجوه شرطی و پرسشی درصد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. در جدول شماره ۲ بسامد وجوه جمله‌ها به تفکیک بخش‌ها مشخص شده است:

جدول شماره ۲ - بسامد وجه جمله به تفکیک موضوع						
گفت‌وگو		وصف		روایی		وجه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲/۷۵	۱۶۵	۰/۱۸	۴۸	۱/۱۸	۷۱	پرسشی
۳/۳۸	۲۰۳	۰/۴۸	۲۹	۱/۴۶	۸۸	امری
۰/۶۱	۳۷	۱/۵	۹	۰/۲۶	۱۶	دعایی
۲/۴	۱۴۴	۰/۶۶	۴۰	۱/۵۳	۹۲	شرطی
۰/۷۵	۴۵	۰/۱۸	۱۱	۰/۵۱	۳۱	منادا
۹/۹	۵۹۴	۲/۲۸	۱۳۷	۴/۹۶	۲۹۸	جمع

همان طور که می‌بینید، اختلاف درصد وجوه جمله‌ها در بخش «گفت‌وگو» از دو بخش دیگر بیشتر است. گفت‌وگو بستر مناسبی برای ظهور وجوه غیر خبری است. وجوه امری و پرسشی بسامد بسیاری در بخش گفت‌وگو دارند و جملات شرطی که فضای تردید را بازگو می‌کنند، در هیچ بخشی به اندازه بخش گفت‌وگو به کار نرفته است. طبیعتاً کاربرد هر چه بیشتر وجوه مختلف در یک متن، آن را از تک‌گویی صرف فراتر می‌برد.

۳. کاربرد بلاغی وجوه جملات در منظومه خسرو و شیرین

۳-۱. وجه امری

در میان جملات غیر خبری در خسرو و شیرین، جمله‌های امری از همه بیشتر است و این بسامد زیاد در بخش گفت‌وگو تأمل برانگیز است؛ شاید از این رو که «جهت‌گیری به سمت مخاطب و طرح نقش ترغیبی زبان، بارزترین نمود دستوری خود را در عبارات ندایی و امری می‌یابد» (Jakobson, 1960: 350). بر این اساس، جملات امری به سبب ساختارشان مخاطب را به نوعی با خود همراه می‌کنند و این باعث ایجاد پویایی در سطح شعر می‌شود.

حدود ۵/۳۳ درصد از جملات انتخابی از خسرو و شیرین امری هستند. یکی از وجوه بسیار مهم در این جمله‌ها، نوع خطاب آن‌هاست؛ اینکه شاعر از چه کسی یا چه چیزی

در برخی از خطاب‌ها شاعر با مخاطب قرارداد خواننده، او را در تجربه شخصی خود شریک می‌کند و باعث می‌شود ارتباط عمیق‌تری بین مخاطب و جریان داستان برقرار شود:

بزرگی بایدت دل در سخا بند سر کیسه به برگ گندنا بند
(همان: ۲۷۵)

۳-۱-۲. کاربرد ساختاری جملات امری

۱. همراهی امر و ندا: در بسیاری از ابیات، جمله امر همراه با منادا می‌آید. در واقع نظامی برای تأکید بر خواسته و تقاضای خود این ساختار را به کار می‌برد:

شبا، امشب جوانمردی بیاموز مرا یا زود کش یا زود شو روز
(همان: ۲۹۳)

۲. تکرار وجه امری: نظامی گاهی برای تقویت امر خود آن را به صورت متوالی می‌آورد تا علاوه بر ایجاد موسیقی، تأثیر عاطفی خویش را بر جای بگذارد. نفس تکرار با جلب توجه مخاطب همراه است و این باعث می‌شود منطق گفت‌وگو که از عناصر اصلی داستان و روایت است در شعر حاکم شود:

من اینک مانده‌ام در آتش تیز تو در من بین و عبرت گیر و بگریز
(همان: ۳۴۱)

نکته‌ای درخور توجه که نظامی در این ساختارها رعایت می‌کند، ایجاد تقابل و تضاد در معنای فعل امر است که ساختاری هنرمندانه و زیبا را به وجود می‌آورد:

همه تندی مکن لختی بیارام رها کن توسنی چون من شدم رام
(همان: ۳۱۲)

۳. کاربرد «می» بر سر فعل امر: بر طبق کتاب دستور تاریخی زبان فارسی جزء صرفی «می» گاهی با صیغه امر می‌آید و مفهوم آن امر به کاری است که باید دوام یا تکرار داشته باشد (ناتل خانلری: ۱۳۸۲: ۱۰۸). در بسیاری از فعل‌های امری خسرو و شیرین، شاهد این ساختار هستیم:

اسیری را به وعده شاد می‌کن مبارک مرده‌ای آزاد می‌کن
(نظامی، ۱۳۹۳: ۱۵۳)

۳-۲. وجه پرسشی

۴/۷ درصد از جملات خسرو و شیرین، وجه پرسشی دارند و این میزان در بخش گفت‌وگو بیش از دو بخش دیگر است. جمله‌های پرسشی متن را از حالت یکنواختی و تک‌صدایی به چندصدایی سوق می‌دهد.

۳-۲-۱. کاربرد معنایی جملات پرسشی

نظامی از وجه پرسشی برای آشنایی‌زدایی و فعال کردن هنرسازه‌های کهنه، استفاده هنری کرده است. وی با قراردادن مضامین و تشبیهات تکراری در ساختار پرسشی و بافت تازه، آن‌ها را پویا کرده و به شعر ماهیتی نو بخشیده است؛ برای مثال، تشبیه معشوق به ماه و خورشید جزو تشبیهات کهنه و تکراری‌اند که دست‌مایه تمام شاعران از دیرباز بوده است؛ اما نظامی با قراردادن آن در ساختار پرسشی و بافتی متفاوت، از ابتدال آن کاسته و ترکیبی تازه و پویا آفریده است:

چوماه از اختران خود جدایی نه خورشیدی چنین تنها چیرایی؟
(نظامی، ۱۳۹۳: ۷۵)

در زبان روزمره جملات پرسشی برای طلب خبر استفاده می‌شود، ولی در زبان شعری جمله‌های پرسشی برای القای عاطفه و تأثیرگذاری بیشتر، کارکرد زبانی خود را از دست می‌دهند. بسیاری از پرسش‌ها در شعر نظامی با هدف دریافت اطلاعات طرح نمی‌شوند و شاعر، خود، در ادامه پرسش، پاسخ را بیان می‌کند. در واقع مقصود وی از این پرسش‌ها، علاوه بر گردآوردن پرسش و پاسخ در یک ساختار، خلق حالت انتظار برای خواننده است تا این انتظار سبب تأمل بیشتر وی و لذت هنری شود. نظامی عمدتاً از کارکرد اولیه این نوع جملات صرف‌نظر کرده و با بیان هدف‌های غیرپرسشی تأثیر کلام خویش را دوچندان کرده است:

کمندی کرده گیسوش از تن خویش فکنده در کجا؟ در گردن خویش
(همان: ۶۶)
چه دید؟ الحق بتانی شوخ و دلیند سرایی پر شکر شهری، پر از قند
(همان: ۱۲۲)

برخی از پرسش‌ها نیز جنبه انکاری دارند که نظامی هنرمندانه از ساخت «استفهام انکاری» استفاده کرده است؛ مثال:

برفت آن ماه و آن صورت نهان کرد به گل خورشید پنهان چون توان کرد؟
(همان: ۶۲)

استفهام، گاهی بیانگر معنای تعجب است که در این صورت فعل حذف می‌شود و با «واو استبعاد» به کار می‌رود:

لب دریا و آنگه قطره آب؟ رخ خورشید و آنگه کرم شبتاب؟
(همان: ۳۷۵)

و گاهی مقصود «نفی» است که در ساختار پرسشی نمود می‌یابد:

چه باید زهر در جامی نهادن؟ ز شیرینی بر او نامی نهادن؟
(همان: ۱۴۳)

در میان انواع جملات پرسشی، جملاتی یافت می‌شود که معنای پرسش از آن‌ها افاده نمی‌شود و هدف شاعر از طرح آن‌ها، رسیدن به پاسخی مطلوب نیست، بلکه هدفش تأکید است. گوینده می‌خواهد مقصود خود را با تأکید به خواننده برساند؛ این‌گونه پرسش‌ها را «پرسش‌های تأکیدی» می‌نامند. این نوع پرسش‌ها اصولاً با قید «مگر» همراه‌اند:

مگر سروی ز طارم سر برآورد که ما را سربلندی بر سر آورد؟
(همان: ۳۶۲)

۳-۲-۲. کاربرد ساختاری جملات پرسشی

ادات پرسشی در جملات نظامی به ترتیب فراوانی چنین است: «چه» (۷۴ بار): پرتکرارترین قید پرسش در خسرو و شیرین است؛ شاید به دلیل اینکه هم از نظر معنایی دربرگیرنده معانی «چه کسی، چه چیزی و ...» است و هم به دلیل ساختار واجی کوتاهی که دارد در وزن شعر به راحتی جای می‌گیرد. این قید گاهی به جای قید «چرا» نیز به کار رفته است:

چه باید طبع را بدرام کردن دو نیکونام را بدنام کردن؟
(همان: ۱۴۴)

پرکاربردترین حرف پرسش بعدی «آیا» است (۴۰ بار) که در تمام موارد حذف شده است. حذف آیا، یکی از نشانه‌های تازگی و پویایی گفت‌وگوهای خسرو و شیرین است؛ زیرا کاربرد آن در کلام جنبه رسمی و تکراری دارد و از ایجاز سخن می‌کاهد:

صواب آید؟ روا داری؟ پسندی؟ که وقت دستگیری دست‌بندی؟
(همان: ۱۵۲)

قید پرسش «چون/چگونه» (۳۹بار) یکی دیگر از پربسامدترین قیده‌های پرسش است و قیده‌های دیگر به ترتیب فراوانی چنین‌اند: چرا (۲۵بار)، کدام (۲۵بار)، کجا (۲۱بار)، کی (۱۷بار)، مگر (۱۴بار)، چند (۱۳بار) و که (۱۲بار).

جملات پرسشی در خسرو و شیرین، جملات بسیار کوتاهی هستند که در بیشتر موارد، نهاد، مفعول و متمم حذف می‌شود و تنها قیده‌های پرسشی باقی می‌مانند؛ در این حالت، نظامی به موجزترین صورت ممکن به سراغ اصل مطلب می‌رود:

که چونی؟ وز کجایی و چه نامی؟ چه اصلی و چه مرغی؟ وز چه دامی؟
(همان: ۸۹)

۳-۳. وجه شرطی

جملات شرطی یکی دیگر از پرکاربردترین جملات در منظومه خسرو و شیرین است؛ به‌ویژه در گفت‌وگوهایی که بین خسرو و شیرین صورت می‌گیرد، شاهد بسامد زیاد این نوع از جملات هستیم.

۳-۳-۱. کاربرد معنایی جملات شرطی

فراوانی تعداد جملات شرطی در هر متن، بیانگر فضایی آکنده از تردید و نوعی نبود اطمینان و یقین است. این امر در ابیات خسرو و شیرین نشان می‌دهد نظامی با استفاده از جملات شرطی فضای بیم و امید را که مناسب داستان‌های عاشقانه است، به‌خوبی ترسیم می‌کند. وضعیت بی‌اطمینانی شیرین به عشق خسرو پس از ازدواج با شکر اصفهانی و تردید خسرو به پذیرفتن درخواستش از جانب شیرین، با استفاده از جملات شرطی در گفت‌وگوهایی بین این دو نمود می‌یابد:

گر از من می‌بری چون مهره از مار من از گل باز می‌مانم تو از خار
(نظامی، ۱۳۹۳: ۱۵۳)

یکی دیگر از کاربردهای جملات شرطی در شعر نظامی، توصیف حالات و رفتار عاشق و معشوق، بیان چگونگی روابط بین آن‌ها و سختی‌های راه عشق است که جریان یک رابطه پرکشمکش عاشقانه را به‌زیبایی به تصویر می‌کشد. استفاده فراوان از تشبیهات مشروط در این‌بین، قدرت سخنوری و مضمون‌پردازی نظامی را دوچندان کرده است:

چو پیلی گر بود پیل آدمی‌روی چو شیر، ار شیر باشد عنبرین‌موی
(همان: ۲۷۴)

۱. وصف معشوق:

گر اندازه ز چشم خویش گیرد	بر آهوایی صد آهو بیش گیرد
	(همان: ۵۲)
چو سروی؛ گر بود در دامنش نوش	چو ماهی؛ گر بود ماهی قصبپوش
	(همان: ۳۹۰)

۲. وصف عاشق:

چو حلقه گر بیابم بر درت بار	درت را حلقه می‌بوسم فلک‌وار
	(همان: ۳۱۱)
گر از بند تو خود جویم جدایی	ز بند دل کجا یابم رهایی؟
	(همان: ۳۲۰)

۳. ترسیم روابط عاشقانه:

گر از درد سر من می‌شوی فرد	من از سر دور می‌مانم تو از درد
	(همان: ۱۵۳)
و گر بر من نخواهد شد دلت راست	به دشواری توانی عذر آن خواست
	(همان: ۳۳۸)

۴. تسلیم عاشق در برابر معشوق:

اگر تو راضی‌ای کاین دل خراب است	رضای دوستان جستن صواب است
	(همان: ۳۷۸)
مرا گر نیست دیدار تو روزی	تو باقی باش در عالم فروزی
	(همان: ۳۷۸)

۳-۲-۳. کاربرد ساختاری جملات شرطی

یکی از شگردهای نظامی، آوردن جملات شرطی در ساختارهای متنوع است. جملات شرطی، جمله‌هایی مرکب محسوب می‌شوند که دارای دو جمله‌واره پایه و پیروند؛ و اگر جمله مرکب تأویل به جمله ساده شود، فراکرد پیرو متمم خواهد بود.

در جمله‌های مرکب شرطی، فراکرد پایه آن است که در جواب شرطی می‌آید و غرض گوینده، بیان معنی آن است. شرط که در فراکرد پیرو می‌آید، در حکم متمم فعل پایه است (ناقل خانلری، ۱۳۵۱: ۲۶۶).

نظامی در بسیاری از ابیات، طی یک بیت چند جمله شرطی می‌آورد و در جایی دیگر، در چند بیت، برای چندین جمله شرط یک جواب شرط می‌آورد. او همچنین در آوردن

نوع جملهٔ جواب شرط نیز دست به دگرگونی زده و جملات شرطی را با انواع جملات خبری، پرسشی و امری پاسخ داده است.

تقسیم‌بندی جملات شرطی هر اثر در الگوهای محدود، بیانگر وجود نظامی کلی در آن اثر است و نشان می‌دهد که شاعر از این الگوها در جهت هدف مشخصی بهره برده است. تعداد الگوهای جملات شرطی در متن، چهارده الگوست که از این میان، بیشترین الگو مربوط به الگوی «جملهٔ شرط + جواب شرط خبری» (۱۵۶ مورد)، دومین الگو «جملهٔ شرط + جواب شرط امری» (۲۶ مورد) و سومین الگو «جواب شرط خبری + جملهٔ شرط» (۱۷ مورد) است.

• الگوی جملهٔ شرط + جواب شرط خبری:

خِراجِ گردنم بِرِ گردنِ آرد
(نظامی، ۱۳۹۳: ۳۱۶)

گر آهویک نظر سوی من آرد

• الگوی جملهٔ شرط + جواب شرط امری:

زیارت‌خانه‌ای برساز ازین خاک
(همان: ۲۴۳)

و گر خاکم، نوای گنج خطرناک

• الگوی جملهٔ شرط + جواب شرط پرسشی:

چرا بُرد تو را ناخن مرا دست؟
(همان: ۲۴۱)

اگر در تیغ دوران زحمتی هست

• الگوی جملهٔ شرط + جواب شرط محذوف:

بگفت اندازم این سر زیر پایش
(همان: ۲۳۴)

بگفتا گر خرامی در سرایش؟

• الگوی در پی هم آوردن چندین جملهٔ شرط با یک جواب شرط خبری مشترک:

همه شیرین‌تر آید جایت از جای
(همان: ۱۵۰)

چو شکر گر لبت بوسم و گر پای

• الگوی در پی هم آوردن چندین جملهٔ شرط با یک جواب شرط امری مشترک:

تو بر خاکی چنین مشعل می‌فروز
(همان: ۲۶۰)

گر آن باد آید و گر ناید امروز

• الگوی جواب شرط خبری + جمله شرط:

فیرودافتادن آسان باشد از بام اگر در ره نباشد کسر اندام
(همان: ۲۶۱)

• الگوی جواب شرط امری + جمله شرط:

زن افگندن نباشد مردرایی خودافگن باش، اگر مردی نمایی
(همان: ۱۵۱)

• الگوی جواب شرط پرسشی + جمله شرط:

نبینی مرد بی اندام در خواب نرنجد گر فتد صد تیر پرتاب؟
(همان: ۲۶۱)

• الگوی جمله شرط + جواب شرط خبری (در هر دو مصراع):

گرش مانم بدو، کارم تباه است و گر خونش بریزم، بی گناه است
(همان: ۲۲۸)

• الگوی جمله شرط + جواب شرط پرسشی (در هر دو مصراع):

گر این بت جان من بودی، چه بودی؟ ور این اسب آن من بودی، چه بودی؟
(همان: ۸۰)

• الگوی جواب شرط خبری + جمله شرط (در هر دو مصراع):

چو سروی؛ گر بود در دامنش نوش چو ماهی؛ گر بود ماهی قصب پوش
(همان: ۳۹۰)

• الگوی جواب شرط امری + جمله شرط (در هر دو مصراع):

بخوان ای مرغ، اگر داری زبانی بخند ای صبح، اگر داری دهانی
(همان: ۲۹۳)

• الگوی جواب شرط + در پی هم آوردن جمله شرط:

به تو دادم عنان کارسازی تو دانی گر گُشی ور می نوازی
(همان: ۳۶۶)

شاید دلیل بسامد زیاد الگوی «جمله شرط + جواب شرط خبری» در خسرو و شیرین این است که چون این اثر داستانی عاشقانه است، نظامی سعی دارد با زبانی ساده آن را روایت کند. به کار بردن الگوهای دیگر و پیچیده کردن زبان شعر، مخاطب را از درک هدف اصلی که همانا روایت داستان است، دور می‌سازد؛ بنابراین، نظامی بیشتر از ساختار معمول جملات شرطی بهره برده و گاه‌گاه، به فراخور داستان و به قصد تنوع و نشان دادن توانایی

خویش، دست به هنرنمایی زده و جملات شرطی را در قالب الگوهای دیگر به کار برده است.

۳-۴. وجه ندایی

همان طور که اشاره شد، کارکرد ترغیبی زبان، بارزترین تجلی خود را در جملات ندایی و امری می‌یابد؛ زیرا در این گونه جملات جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است؛ بنابراین، جملات ندایی جملاتی گفت‌وگومحورند. پس از بررسی‌های ابیات خسرو و شیرین، مشخص شد نظامی در بخش گفت‌وگو، از این نوع جملات بیشتر استفاده کرده است.

۳-۴-۱. کارکرد معنایی جملات ندایی

در زبان شعری آنچه اهمیت دارد، کارکرد عاطفی جملات است، نه کارکرد ارجاعی و اولیّه آن‌ها؛ از این منظر جملات ندایی در شعر، معنای اولیّه و اصلی خود را از دست می‌دهند و معانی ثانویه، از جمله تعظیم، اظهار شگفتی، ملامت، استغاثه، تذکر و ... جای آن‌ها را می‌گیرد؛ برای مثال، هدف شاعر از خطاب کردن معشوق، چیزی ورای فرمان‌دهی یا شنیدن پاسخ از اوست. در واقع شاعر عواطف و احساسات خود را به معشوق در قالب منادا بیان می‌دارد:

همین باشد نثارافشان کویت	به رویت شادم ای شادی به رویت
به شیرین گفت کای چشم و چراغم	همای گلشن و طاووس باغم!
	(همان: ۳۲۷)

ایجاد تناسب میان منادا و دیگر واژگان، یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که خلّاقیت و شگرد نظامی را بیش از پیش نمودار می‌سازد. تناسب و همراهی آن با صور خیال، علاوه بر ایجاد انسجام در بیت، کارکردهای دیگری نیز دارد؛ از سویی باعث انگیزش سایر واژگان می‌شود و از سوی دیگر، ذهن را به سمت معنای استعاری منادا سوق داده، باعث زایش معنای تازه می‌شود. نمونه‌هایی از این هنرمندی را در این بیت‌ها می‌توان دید:

فروغ چشمی ای دوری ز تو دور	چراغ صبحی ای نور علی نور
	(همان: ۳۱۸)

در این بیت، منادای «نور علی نور» استعاره از معشوق است که نظامی با برقراری تناسب بین این ترکیب و دیگر واژگان بیت، مانند «فروغ» و «چراغ»، تصویری هنری آفریده است.

تو ای آهوسرین نَز بهر جنگی رها کن بر ددان خوی پلنگی
(همان: ۳۲۹)

در این بیت نیز «آهو» استعاره از معشوق است که با واژه‌های «دندان» و «پلنگ» تناسب دارد.

۳-۴-۲. کارکرد ساختاری جملات ندایی

جملات ندایی خسرو و شیرین را از نظر ساخت می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ندهای ساده، ندهای ترکیبی و ندهای موصولی.

۱. ندهای ساده: مناداهایی که تنها از یک کلمه تشکیل شده‌اند. این دسته از ندها در کارکرد ارجاعی و اصلی خود به کار می‌روند؛ به این ترتیب، از دو دسته دیگر کارکرد زیبایی‌شناسانه و بلاغی کمتری دارند.

به عیاری برآر ای دوست دستی برافگن لشکر غم را شکستی
(همان: ۳۵۹)

۲. ندهای ترکیبی: این ندها شامل ترکیب‌های وصفی، اضافی و عطفی هستند. این ترکیبات به دلیل ساختاری که دارند، از امر مورد خطاب توصیف بیشتری ارائه می‌دهند و نقش مهمی در افزایش حوزه معانی دارند؛ برای مثال، گاهی به‌مانند قرینه‌ای هستند که ذهن را از معنی حقیقی به معنی استعاری منادا هدایت می‌کنند. نظامی از ندهای ترکیبی بیش از دو دسته دیگر استفاده کرده است و تقریباً نیمی از مناداهای خسرو و شیرین را مناداهای ترکیبی تشکیل می‌دهند. نکته چشمگیری که در ساخت بیشتر این منادها دیده می‌شود، این است که اکثر آن‌ها ساختار تشبیهی یا استعاری دارند؛ برای مثال، در عبارت ترکیبی «سرو سمن‌چهر»، علاوه بر برجستگی‌ای که به واسطه تشبیه «سمن‌رو» اتفاق افتاده، خود مضاف‌الیه، سرو قرار گرفته که استعاره مصرّحه است:

دگر باره جهاندار از سر مهر به گلرخ گفت: کای سرو سمن‌چهر
(همان: ۳۱۱)

برآی از کوه صبر، ای صبح امید دلم را چشم روشن کن به خورشید
(همان: ۳۵۹)

پیری‌رویا، نهان می‌داری اسرار سخن در شیشه می‌گویی پری‌وار
(همان: ۶۸)

۳. ندهای موصولی: در این دسته از ندها، منادا همراه با جمله صله می‌آید. گاهی منادا حذف و جمله صله جایگزین آن می‌شود و گاهی حرف «که» موصولی حذف

می‌شود؛ بنابراین، ایجاز بیشتری در شعر ایجاد می‌کند. در این نوع مناداها با طیف گسترده‌تری از اوصاف و کنش‌های منادا روبه‌رو هستیم که بیانگر عاطفه و احساس شاعر است:

خردمندان چنین دادند پاسخ	که ای دولت به دیدار تو فرخ (همان: ۲۲۸)
همین باشد نثارافشان کوبت	به رویت شادم ای شادی به رویت (همان: ۳۰۶)
فروغ چشمی، ای دوری ز تو دور	چراغ صبحی، ای نور علی نور (همان: ۳۱۸)

۳-۵. وجه دعایی

۳-۵-۱. کاربرد معنایی جملات دعایی

مفهوم اغلب جملات دعایی در خسرو و شیرین، طلب سعادت و دولت برای معشوق است:

که دایم تازه باش ای سرو آزاد سرت سبز و رخت سرخ و دلت شاد
(نظامی، ۱۳۹۳: ۳۰۶)

یکی دیگر از کاربردهای این جمله، نفرین و طلب کردن شرّ است. در چنین بافتی، معنای ضمنی و غیرمستقیم جمله، نفرین است:

مرا مادر دعا کرده‌ست گویی که از تو دور بادا هرچه جویی
(همان: ۲۴۱)

گاهی جملات دعایی تحذیر و دوری از امری است. در چنین بافتی، فعل «مبادا» که متضمن معنای زینهار و نهی است، در ترکیب جمله قرار می‌گیرد:

سری کز طوق تو جوید جدایی مباد از بند بیدادش رهایی
(همان: ۳۰۷)

۳-۵-۲. کاربرد ساختاری جملات دعایی

این جملات ساختار مشخص و متنوعی ندارند، ولی در بیشتر آن‌ها، فعل دعایی در ابتدای جمله قرار گرفته است. تقدّم فعل از نظر معنی‌شناسی و علم معانی حائز اهمّیت است. گاهی شاعر با تقدیم کلمه‌ای قصد دارد بر آن تأکید کند؛ بر این اساس، قرارگرفتن فعل‌های دعایی در ابتدای جمله، تأکید بر دعای خیر، نفرین و تحذیر از امر مورد نظر است:

به پاسخ گفت رنگ‌آمیز شاپور که باد از روی خوبت چشم بد دور
(همان: ۶۷)

مبادا کس بدین بی‌خانمانی بدین تلخی چه باید زندگانی
(همان: ۲۴۶)

۴. نتیجه

بررسی زبان نظامی در خسرو و شیرین نشان می‌دهد که علاوه بر جنبه‌های داستانی و هنر شاعری نظامی، در شعر وی بین گوینده و مخاطب ارتباطی هنری برقرار است. به‌کارگیری عنصر گفت‌وگو در جای جای منظومه خسرو و شیرین، داستان را از یکنواختی و تک‌گویی صرف فراتر برده و پویایی خاصی به آن بخشیده است؛ از این‌رو، وجوه جملات بسامد فراوانی در این اثر دارند. از نظر کمیّت، وجوه پرسشی، امری و شرطی در خسرو و شیرین بسامد بسیاری دارند.

• جملات امری در خسرو و شیرین به قصد امر و نهی معشوق به کار نرفته است، بلکه حالت عجز، درماندگی و استرحام در آن‌ها دیده می‌شود.

• نظامی از وجه پرسشی برای آشنایی‌زدایی و فعال کردن هنرسازهای کهنه استفاده هنری کرده است. وی با قراردادن مضامین و تشبیهات تکراری در ساختار پرسشی و بافت تازه، به شعر ماهیتی نو بخشیده است. از میان قیده‌های پرسش، وی علاقه زیادی به استفاده از «چه» دارد؛ شاید به این دلیل که از نظر واجی کوتاه است و در هر وزنی به راحتی قرار می‌گیرد. همچنین از نظر معنایی طیف گسترده‌ای از معانی مانند «چه چیزی، چه کاری، چه اتفاقی و...» را شامل می‌شود. جملات پرسشی می‌تواند جایگزین مناسبی برای جملات امری باشد.

• نظامی از جملات شرطی برای ترسیم فضای ترس و امید که مناسب داستان‌های عاشقانه است، به خوبی بهره برده است. کاربرد فراوان تشبیهات مشروط در این اثر، نمایانگر قدرت وی در به‌کارگیری تمام ظرفیّت‌های کلام برای به تصویرکشیدن مفاهیم و مضامین خویش است.

• خطاب‌قراردادن معشوق در خسرو و شیرین بسامد زیادی دارد؛ و این نشانه حضور پررنگ معشوق است. هدف شاعر از خطاب کردن معشوق، چیزی ورای فرمان‌دهی است. در واقع شاعر عواطف و احساسات خود را درباره معشوق در قالب منادا بیان می‌دارد.

● جملات دعایی در خسرو و شیرین معمولاً برای طلب سعادت و خوشبختی به کار می‌رود؛ اما گاهی در معنای ضمنی شَرّ و نفرین نیز کاربرد دارد.

منابع

- آق‌اولی، حسام‌العلما (۱۳۱۵)، درر الأدب، شیراز، بی‌نا.
- آهنی، غلامحسین (۱۳۶۰)، معانی و بیان، تهران، بنیاد قرآن.
- انوری، حسن و احمد گیوی (۱۳۸۷)، دستور زبان فارسی ۲، چ ۴، تهران، فاطمی.
- تجلیل، جلیل (۱۳۸۵)، معانی و بیان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، معانی، تهران، میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۷)، آیین سخن، تهران، ققنوس.
- مازندرانی، محمدهادی (۱۳۷۶)، انوار البلاغه، چاپ محمدعلی غلامی‌نژاد، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۴)، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، ایران.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۱)، دستور زبان فارسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۸۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ عفت مستشارنیا، چ ۵، تهران، توس.
- نظامی گنجوی (۱۳۹۳)، خسرو و شیرین، چاپ وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره.

Halliday, M. A. K. (1985), *An Introduction to Functional Grammar*, London, Edward Arnold.

Jakobson, R. (1960), *Closing Statement: Linguistics and Poetics*, T. A. Sebeok (ED), Cambridge, Mass: M.I.T. Press.